نگاه توحیدی به کرونا

بررسی رویکرد توحیدی دعای هفتم صحیفه سجادیه به دشواری‌ها

محسن شمس[[1]](#footnote-1)

رقیه آقابیگی[[2]](#footnote-2)

چکیده:

توحید به عنوان اصل و ریشه معارف دینی، نگاه ویژه‌ای به انسان می دهد. انسان معتقد به توحید، جهان و رخدادهای آن را بی حساب نمی‌داند. او خود و تمامی موجودات و رخدادها را در رابطه با خداوند واحد تعریف می‌کند. در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام نگاه توحیدی در عالی ترین شکل خود بیان شده است. صحیفه سجادیه که مشتمل بر دعاهای امام سجاد علیه السلام است، رویکرد توحیدی را در موقعیت‌های گوناگون زندگی، در قالب مناجات بنده با خداوند متعال ارائه می‌کند. دعای هفتم صحیفه سجادیه دعایی است که به هنگام وارد آمدن سختی ها و ناملایمات از زبان معصوم صادر شده است. پس از سیوع کرونا در ایران، این دعا پس از توصیه رهبر معظم انقلاب به قرائت آن، به نحو ویژه ای مد نظر قرار گرفت. منظر و نگاه انسان و جامعه به کرونا، موضوعی فرهنگی است که بی‌گمان بر کنش ها و واکنش ها در قبال کرونا، در عرصه های مختلف تأثیرگذار خواهد بود. رویکرد توحیدی این دعای مأثور را می‌توان در چهار محور بررسی کرد؛ اشعار به صفات قاهره‌ی حق تعالی، توجه به نسبت سختی های زندگی با اقتدار الهی، توجه به ضعف و نیاز دعاکننده و بیان دعا با عنایت به محورهای پیشین. دیدگاه توحیدی موجود در این دعا را می‌توان، به مثابه یک رویکرد روایی به مسأله‌ی شر در الهیات دانست.

**کلمات کلیدی**: کرونا، توحید، صفات الهی، شر، دشواری

مقدمه:

سختی ها و دشواری های زندگی از ابتدای حیات خاکی بشر همراه او بوده اند. از دیرین ترین ناملایمات نسبت به زندگی انسان، مواجهه‌ی بشر با خطراتی بوده است که سلامت او را تهدید می‌کردند. بیماری‌ها و امراض گاه بشر را تا رسیدن به مرگ بدن که به حسب طبیعت خود از آن گریزان بوده است سوق داده اند و گاه، تنها چند روزی او را از بهره‌وری تام و تمام از بدن خود محروم کرده اند. بیماری ها به خصوص بیماری‌هایی که به واسطه همه‌گیری و سریان در جامعه، به مثابه یک پدیده اجتماعی ظاهر می‌شوند، افزون بر بعد پزشکی و بهداشتی، حائز ابعاد روانی و اجتماعی نیز هستند. گاه ترس از یک خطر و به عنوان مثال یک بیماری، کاهنده‌تر از ابتلا به آن و آزاردهنده‌تر از تهدید احتمالی بیماری برای بدن شده است.

کرونا بیماری ای است که از اواخر سال 2019 میلادی به سرعت در جهان منتشر شد و به سرعت حداقل در رسانه ها به عنوان فراگیرترین مشکل فراروی بشر، معرفی شد. کرونا برخلاف سایر بیماری های واگیردار تنها در عرصه سلامت و بهداشت، محدود نشد بلکه به واسطه‌ی شیوع کم نظیر و عوارض ویژه اش، از یک سو بر سیاست و اقتصاد و از سوی دیگر بر فرهنگ و اجتماع تأثیر چشم گیری داشته است. به همین دلیل حتی کسانی که کرونا به عنوان بیمار، از کرونا متضرر نشده اند، به لحاظ ابعاد یادشده از آن متأثر شده اند. بر این اساس، کرونا را می‌توان یک همه‌گیریِ همه‌جانبه دانست. در رویکردی فرهنگی به کرونا به جای بحث از پیشگیری و درمان آن، باید از حواشی فرهنگی آن سخن گفت.

بیماری کووید19 یا کرونا که به شکلی بی سابقه جوامع انسانی را درگیر خود کرده است، نمونه‌ی بارز بروز یک بیماری واگیردار و ظهور بی نظیر ابعاد فرهنگی و اجتماعی یک بیماری در کنار سایر ابعاد مرتبط به حیات بشر بوده است. کرونا بیماری ای است که طبق روایت مشهور و پربسامد در رسانه‌های جمعی، از چین آغاز شده و در مدت‌زمان کوتاهی اکثر کشورهای جهان را درنوردیده است. بازتاب فرهنگی ویژه‌ی کرونا به تبع همه‌گیریِ آن در اقطار عالم این بود که مواجهه فرهنگی با کرونا برخلاف مواجهه‌ی درمانی، بسیار متنوع تر ظاهر شده و به همین دلیل نمایانگر خوبی برای مشاهده‌ی شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی انسان‌ها در مواجهه با یک مسأله‌ی مشترک انسانی بوده است.

پس از رسیدن موج انتشار ویروس کووید 19 به ایران و گسترش و همه‌گیری آن در ماه های نخست، مدتی پس از تأیید رسمی شیوع کرونا در ایران از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران و اتخاذ تصمیمات اجرایی، رهبر معظم انقلاب اسلامی، ضمن تأکید و توصیه به رعایت دستورات بهداشتی صادرشده از سوی نظام پزشکی کشور و لزوم رعایت آیین‌نامه‌های اجرایی که برای جلوگیری و درمان توسط ستاد ملی کرونا، صادر می‌شد، به عموم مؤمنین توصیه کردند تا دعای هفتم صحیفه سجادیه را به عنوان یکی از دعاهای مرتبط با حال و روز جامعه در برابر کرونا، قرائت کنند.

صحیفه سجادیه یکی از کتب مشهور میان شیعه و شناخته شده نزد اهل تسنن بوده که مشتمل بر دعاهایی از امام علی بن الحسین زین العابدین(علیه السلام)، امام چهارم شیعیان است. در این صحیفه هر دعا با رقم، عنوان و موضوع خاصی از سایر فقره های دعا جدا شده است. دعای هفتم به عنوان یکی از دعاهای حضرت سجاد(علیه السلام) هنگام وارد شدن امری مهم یا وارد آمدن دشواری و سختی معنون شده است. و با طلیعه‌ی نخستین جمله آن نیز از آن یاد می‌شود؛ «یا مَن تُحَلُّ به عُقَدُ المَکارِه[[3]](#footnote-3)» . بررسی رویکرد دعای هفتم صحیفه به عنوان یک متن مستند و اصیل دینی، به خوبی نشانگر مختصات و مشخصات نگاه دینی به یک موضوع انضمامی و ملموس در زندگی است. در این نوشتار قصد داریم تا محورهای دعای هفتم صحیفه سجادیه که توسط حضرت آیت الله خامنه ای مرتبط و مناسب شرایط کرونایی معرفی شد را بررسی کنیم.

**سندیت و اصالت دعا:**

برخلاف غالب متون روایی مانند کتب اربعه شیعه(کافی، تهذیب، استبصار و من لایحضره الفقیه) که احادیث و روایات در شکل مجموعه‌ای آن با فاصله از حیات معصومین علیهم السلام جمع‌آوری شده و عنوان کتاب یافته است، کتاب صحیفه‌ی سجادیه مانند قرآن کریم و صحیفه فاطمیه هم عصر با معصومین علیهم السلام صورت‌بندی شده و به شکل مجلدی جامع درآمده است. این کتاب که در بین دانشمندان اسلامى به «زبور آل محمد» و «انجیل اهل بیت» موسوم گشته از اولین کتابهایى است که‏ در دوره اسلامى تألیف شده است(بحارالانوار ، ج‏110 ، ص‏45 به نقل از پهلوان، منصور، 1378). از آنچه فیلسوف شهیر و محدث بزرگ میرداماد در ابتدای شرح خود بر صحیفه سجادیه بیان کرده است، روشن می‌شود که افزون بر سند اصلی روایت که به یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام، یعنی متوکل بن هارون منتهی می‌شود، روایت دیگری نیز ترتیب ادعیه صحیفه به همین شکل که دعای هفتم آن با موضوع «مهمات»(که از آن با دشواری ها و سختی ها یاد کردیم) باشد را تأیید می کند(میرداماد، بی‌تا، ص 50). متوکل بن هارون نیز جریان دست یابی خود به صحیفه را از دو طریق بیان می‌کند به این نحو که ابتدا نسخه ای از صحیفه را از یحیی فرزند زید بن علی بن الحسین یعنی فرزند غیر معصوم امام سجاد(علیه السلام) دریافت می‌کند و سپس نسخه زید بن علی را با نسخه‌ی دیگری که از امام صادق علیه اسلام دریافت کرده مقابله می‌کند و به یکی بودن محتوای دو صحیفه اذعان می‌کند(همان، ص 47).

در قرون مختلف اسلامى ، بسیارى از دانشمندان و راویان ، با اسناد متصل به نقل و روایت صحیفه کامله مبادرت کرده اند . تعداد این اسناد را علامه محمدتقى مجلسى ، بالغ بر هزاران هزار مى داند و مى گوید که متجاوز از ششصد طریق عالى نقل آن را درآثار خود ، گزارش کرده است(پهلوان، منصور، همان). با توضیحاتی که بیان شد، سندیت و اصالت دعای هفتم که موضوع بررسی این نوشتار است نیز مانند صحیفه‌ی کامله سجادیه است و بررسی جداگانه‌‌ی آن وجهی ندارد. بر این اساس در ادامه محورهای محتوایی دعا را بررسی می‌کنیم.

**محورهای دعا**:

شرح و تفسیر ادعیه‌ی مأثوره که خودشان بسط و گسترش عقاید و دعاهای قرآنی هستند، مجال مفصلی می‌طلبد که از تاب و طاقت این قلم و نوشتار حاضر بیرون است. نگارندگان در این نوشتار تنها کوشیده اند تا دریچه‌ای هر چند باریک به سوی معارف نورانی دعا که معمولاً از نگاه غالب مؤمنین دور می‌ماند بگشایند و مقدمه ای برای شرح و بسط علمی و معرفتی میراث عظیم و پر ارزش دعاهای مأثور ارائه دهند. بر این اساس در این مجال مختصر سعی می‌شود با نگاهی گذرا همه متن دعا به اجمالاً بررسی شود و محورهای کلی آن استخراج و عرضه گردد.

در یک نگاه کلی محورهای دعای هفتم صحیفه سجادیه که مربوط به قرارگرفتن انسان در شرایط سخت و رنج آور است را می‌توان در چهار مسیر و محور اصلی خلاصه کرد: **یکم،** توجه و بیان صفات خداوند که در دعا مورد درخواست و تقاضا قرار می‌گیرد، **دوم**، نسبت سختی ها و دشواری‌ها با صفات الهی، **سوم،** نسبت سختی ها با انسان سائل و دعاکننده، و **چهارم،** بیان خواسته و عرض دعا.

شایان توجه است محورهایی که توسط نگارندگان برشمرده شد، به نحو منظم و متوالی در دعای هفتم نیامده اند و ترتیب یادشده بر اساس ترتیب تقریبی است که در دعا تا حدی و نه به طور کامل رعایت شده است. به همین دلیل ذیلاً هر محور با یک رنگ متمایز شده است و در ادامه نوشتار هر محور به طور جداگانه بررسی می‌شود و به ترتیبی که بیان شد، ارائه می‌گردند. رنگ زرد مربوط به محور یکم، آبی مربوط به محور دوم، قرمز مختص محور سوم و سبز مخصوص به محور چهارم قرار داده شده است:

يَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَكَارِهِ ، وَيَا مَنْ يُفْثَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ ، وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إلَى رَوْحِ الْفَرَجِ ، ذَلَّتْ لِقُدْرَتِـكَ الصِّعَابُ وَتَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الاسْبَابُ ، وَجَرى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ ، وَمَضَتْ عَلَى إرَادَتِكَ الاشْياءُ ، فَهْيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ ، وَبِإرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ ، أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهِمَّاتِ ، وَأَنْتَ الْمَفزَعُ فِي الْمُلِمَّاتِ ، لاَيَنْدَفِعُ مِنْهَا إلاّ مَا دَفَعْتَ ، وَلا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إلاّ مَا كَشَفْتَ ، وَقَدْ نَزَلَ بِي يا رَبِّ (1) مَا قَدْ تَكَأدَنيَّ (2) ثِقْلُهُ ، وَأَلَمَّ بِي مَا قَدْ بَهَظَنِي (3) حَمْلُهُ ، وَبِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ ، وَبِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إليَّ ، فَلاَ مُصْدِرَ لِمَا أوْرَدْتَ وَلاَ صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ ، وَلاَ فَاتِحَ لِمَا أغْلَقْتَ ، وَلاَ مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ ، وَلاَ مُيَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ ، وَلاَ نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ ، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّد وَآلِهِ ، وَافْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ ، وَاكْسِرْ عَنِّيْ سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ ، وَأَنِلْيني حُسْنَ ألنَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ ، وَأذِقْنِي حَلاَوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَاَلْتُ ، وَهَبْ لي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجاً هَنِيئاً ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجاً وَحِيّاً ، (4) وَلا تَشْغَلْنِي بالاهْتِمَامِ (5) عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ ، وَاسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ ، فَقَدْ ضِقْتُ (6) لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ ذَرْعاً ، (7) وَامْتَلاتُ بِحَمْلِ مَا حَـدَثَ عَلَيَّ هَمّاً ، وَأنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ ، وَدَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ ، فَافْعَلْ بِي ذلِـكَ ، وَإنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ ، يَا ذَا العَرْشِ الْعَظِيمَ. (8) [وَذَا الْمَنِّ الْكَريمِ ، فَاَنْتَ قادِرٌ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ ، آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ.]

**یکم، توجه و بیان صفات مدعو؛ خدای متعال**

لزوماً در هر دعا حداقل دو طرف هرچند به نحو اعتباری، باید وجود داشته باشد؛ در یک طرف درخواست­کننده و داعی، و در طرف دیگر درخواست­شونده و مدعُو قرار دارد. درخواست کردن حقیقی لزوماً با نداشتن، ناتوانی و نیازمندی همراه است و در غیر این صورت درخواست، معنایی مجازی و کنایی پیدا می کند. از سوی دیگر چنانچه درخواست کننده در خواستن خود صادق و حقیقتاً ناتوان و نیازمند باشد، در صورتی درخواست او اجابت می شود که از کسی که واجد امر مورد درخواست است، آن را خواسته باشد. قرآن کریم در آیات متعددی به ناتوانی بت ها و معبودهای غیرخدا اشاره می کند(بقره: 107 ، نساء: 144،119،132 و 173 ، انعام: 70 ، اعراف: 197) و در نتیجه خواستن از آنها را بی فایده و بی نتیجه می­داند زیرا غیر خدا بالذات واجد چیزی نیست تا اعطاکننده‌ی آن باشد (فاطر: 13 و 14). خطاب های خواننده ی دعا در تمام ادعیه‌ی مأثور که مبتنی بر رویکرد قرآنی هستند، تنها به خداوند متعال است و عبادت و استعانت منحصر در ذات احدی او می شود(حمد، 5).

برهمین اساس می‌توان گفت بیان صفات خداوند در قرآن، روایات و ادعیه مأثور نیز به این سبب صورت می‌گیرد که توجه داعی به مدعو حقیقی یعنی خدای سبحان منحصر شود. در همین ارتباط سختی و مشکل که موضوع و شأن صدور این دعا نیز هست، تنها با تکیه به خدای واحد و توجه به توحید حقیقی قابل رفع است.

در محور نخست خداوند سبحان با این عبارات خوانده شده است[[4]](#footnote-4):

1. کسی که گره سختی‌ها به دست او گشوده می‌شود.
2. کسی که تندی دشواری ها توسط او می‌گُسلد.
3. کسی که راه بُرون رفت(از سختی) به سوی گشایش، از او خواسته می‌شود.
4. کسی که در تمام دشواری ها مورد درخواست قرار می‌گیرد.
5. کسی که در گرفتاریهای ملالت‌بار به او پناه برده می‌شود.
6. دفع بلا و گشودن گره ها منحصر به اوست.
7. تنها اوست که میتواند بلایی که دعاکننده به آن مبتلا است دفع کند و گرهی که به کار سائل افتاده است را بگشاید.

**دوم، نسبت سختی ها و دشواری‌ها با صفات الهی**

صفات خداوند عین ذات حضرت حق هستند و به عین ذات حق موجودند(ملاصدرا، 1363، ص 55). مفاهیم متعددی که از صفات الهی می فهمیم در واقعیت مابه ازاهای متعدد و مستقل از یکدیگر ندارند بلکه همگی به حقیقت ذات احدیت موجودند(ملاصدرا، 1390، ص 162). هر چند با نگاه دقیق حکمت متعالیه، صفات الهی، وجودهایی زاید و متمایز از وجود حق ندارند، لیکن توجه به صفات حق تعالی به مثابه ملجأ و منبع برطرف کننده‌ی رنج و دردهای متکثر انسانی می‌تواند مقصود قرار گیرد.

در این محور صفاتی که خداوند به آنها خوانده می‌شود، حکایت از حکومت بلامنازع و بدون شریک حق تعالی بر همه‌ی اسباب و از جمله اسباب بروز سختی و مشکل دارند. در دیدگاه توحیدی بر خلاف دیدگاه مورد تأیید در ثنویت، خیر و شر دو منشأ موازی و مقابل ندارد. هر چند در الهیات اسلامی، خداوند متعال خیر محض و منشأ خیرات است لیکن آنچه انسان شر می‌پندارد از منشئی مجزا و مستقل از خدای قادر متعال صادر نمی‌شود.

در این محور خداوند قادر متعال با این عبارات خوانده شده است:

1. سختی ها در برابر قدرت او خوار و حقیرند.
2. وسایط و اسباب به طور مطلق(از جمله اسباب دشواری پیش‌آمده) به لطف او فراهم آمده اند(نه مستقل از او).
3. واقعیت به قدرت او حتمی و قطعی شده و تحقق یافته است.
4. هیچ چیز به طور مطلق بدون اراده خداوند به وجود نمی‌آید.
5. تحقق یافتن اشیاء تنها به مشیت الهی و تحقق نیافتن آنها تنها به نهی الهی تحقق می‌یابد و فاصله ای فعلی و عملی میان خواست خداوند و تحقق امر نیست.
6. آنچه بر دعاکننده عارض شده است به قدرت الهی بوده و خارج از دایره اقتدار و حکومت الهی نبوده است.
7. همان گونه که در شماره 5 به صورت یک قاعده کلی گفته شد، تحقق اشیاء تنها وابسته به اراده الهی است، سلب و برطرف کردن واقعیت موجود و ملموس فعلی(که به شکل یک دشواری بر دعاکننده ظاهر شده است) نیز تنها بسته به اراده الهی است.
8. در نتیجه موارد 5 تا 7، آنچه از سوی خداوند بسته شود گشاینده ای جز او ندارد و همچنین آنچه را خداوند بگشاید، کسی نمی تواند مانع شود. همچنین آنچه خداوند سختش گرداند آسان کننده ای جز او ندارد و شخصی را که خداوند خوار گرداند یاریگری در مقابل خداوند نخواهد داشت.

**سوم، نسبت سختی‌ها با انسان سائل**

همان گونه که پیش از این نیز اشاره شد، دعا کردن به سبب جلوه ای از نیاز و فقدان در دعاکننده و با امید به رفع آن توسط آنکه به دعا خوانده می‌شود صورت می‌گیرد. سختی‌ها و دشواری ها در حقیقت چیزی جز جلوه هایی از رخداد واقعیت نیستند. نسبت انسان و واقعیت ممکن است گاه به شکلی مثبت و سازگار با خواسته انسان ظاهر شود و گاه به شکلی ناسازگار و ناملایم. با عنایت به این نکته آنچه باعث اتصاف یک واقعیت به دشواری است، تنها جلوه هستی‌شناختی آن نیست بلکه افزون بر آن، چهره‌ی ارزش‌شناختی و وابسته به نظام ارزشی خود انسان نیز در ناملایم تلقی کردن یک حقیقت مؤثر است.

نسبت عباراتی از دعا که به این محور اختصاص دارند، کم تر از سایر محورهاست. این تفاوت ظاهری در حجم بیان مشکلات با حجم بیان قدرت و سایر صفات الهی، نیز می‌توان نمایی از رویکرد اصلی دعا در حقیر دانستن سختی ها با همه‌ی بزرگی اش برای انسان در مقابل قدرت قاهر الهی است؛ **ذَلَّتْ لِقُدْرَتِـكَ الصِّعَابُ**.

در این محور انسان دعا کننده، نسبت خود با سختی وارد شده را این‌گونه توصیف می‌کند:

1. سختی و سنگینی بلایی که بر من وارد شده مرا در هم شکسته است.
2. متحمّل دردی شده ام که تحمّلش برایم دشوار است.
3. در اثر بلایی که بر من وارد شده تاب و توان خود را از دست داده ام.
4. در اثر آنچه رخ داده پر از اندوه گشته ام.

**چهارم، بیان خواسته داعی از مدعو**

پس از توجه به مدعو و مخاطب دعا و بیانی توحیدی از ناملایماتی که بر داعی عارض شده است، در محور چهارم عبارات انشایی دعا بیان می‌گردد. در این محور با توجه به دیدگاه توحیدی که اساس اعتقاد اسلامی است و توجه به حقیقت شرایط موجود، در سایه التجاء به خداوند قادر متعال، آنچه مطلوب داعی است بیان می‌گردد. البته باید توجه داشت که ویژگی مهم ادعیه مأثور در این است که مطلوب و خواسته از نگاه معصومین علیهم السلام ترسیم می‌شود که جلوه‌ی تام دیدگاه توحیدی است. به عبارت بهتر خواسته‌ی سایر انسان ها در پرتو نگرش معصوم، ارتقا می‌یابد.

در این محور دعاکننده، خواسته خود در قبال دشواری ها را اینگونه بیان می‌کند:

1. ارسال درود و صلوات بر پیامبر اسلام و خاندان پاک آن حضرت.
2. حصول گشایش برای دعاکننده به واسطه رحمت الهی.
3. شکستن صولت و سلطنت غم برای دعاکننده به واسطه قدرت الهی.
4. ایجاد نگاه مثبت و خیر برای دعاکننده نسبت به همان چیزی که از آن شکایت کرده است.
5. چشاندن شیرینی اجابت دعای داعی.
6. درخواست رحمت و گشایشی گوارا از سوی خداوند متعال برای دعاکننده.
7. قرار دادن راهی سریع برای برون رفت از مشکلات از جانب خدای متعال.
8. درخواست این که چیرگی غم بر زندگی دعاکننده، او را از ادای واجبات و عمل به مستحبات باز ندارد.
9. خواستن دفع گرفتاری و برآورده شدن حاجت، حتی در حالی که دعاکننده استحقاق استجابت دعایش را نداشته باشد.

**رابطه محورهای چهارگانه دعا با یکدیگر**

مقصود اصلی در هر دعا، بیان خواسته مناجات کننده به محضر خدای متعال است. لذا می‌توان سه محور نخست را تمهیدی برای محور چهارم دانست و به همین خاطر، پیش از بررسی محور چهارم، ارتباط سه بخش نخست با بخش چهارم را مختصراً بررسی می‌کنیم.

انسان به عنوان موجودی نیازمند، و خدای متعال به عنوان وجودی بی نیاز و فیاض، دو سوی یک بیان دعایی هستند. به تناسب، گفتگوی داعی و مدعو، از سوی داعی بیانی از وجود فقری وی و از سوی مدعو مجلای فیض بخشی خدای خوانده شده نسبت به دعاکننده است. به عبارت دیگر داعی جز فقر حقیقی و ابراز آن، چیز دیگری ندارد که بخواهد آن را عرضه و اعطاء کند و خداوند قادر متعال سراسر فیض و بخشش است.

در پرتو این نگاه جایگاه تمهیدی و مقدماتی محورهای پیشین به خوبی روشن می‌شود. در محور نخست دعا، توجه به صفات حقیقی خدای متعال که گویای قدرت و بخشندگی خداوند و تأکید به یگانگی خداوند در این جایگاه است مورد توجه قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر آنچه در محور یکم مورد اذعان دعاکننده قرار می‌گیرد نه فقط توجه به حقیقت قادر بودن خداوند بر رفع مشکل و سختی است، بلکه توجه توحیدی به این نکته است که تنها و تنها خداست که چنین قدرتی دارد. بر این اساس محور نخست را می‌توان یک بیان هستی‌شناسانه‌ی حقیقی از وجود خداوند متعال دانست. این بیان افزون بر استدلال های عقلی و فلسفی توسط آیات کریمه قرآن مجید و روایات معصومین علیهم السلام نیز پشتیبانی می‌شود.

در محور دوم، نسبت بخشی از رخدادهای وجودی که به شکل دشواری بر دعاکننده خود را نشان داده اند، با وجودی غنی خدای متعال، تبیین گشته است. این محور نیز در ادامه محور نخست، نتیجه نگاه توحیدی به جهان و ماسوی الله است. وقتی منشأ هستی‌بخش جهان واحد باشد، ناگزیر هر آنچه به عنوان موجود و مؤثر مد نظر قرار گیرد، پرتوی از آن وجود واحد است. دیدگاه توحیدی بر خلاف دیدگاه های ثنوی و دوگانه‌انگار، برای تنزیه خداوند متعال، منشأ شرور و دشواری‌ها را مستقل از خدای خالق نمی‌داند. در این محور تصریح شده است که آنچه شر و دشواری پنداشته شده و انگیزاننده‌ی داعی برای اظهار خواسته به محضر الهی است نیز از سوی خداوند و به مثابه جلوه‌ای از قدرت و سلطنت بلامنازع الهی بر انسانی که خود را درگیر و گرفتار با آن دشواری می‌داند، وارد شده است. همان‌گونه که می‌بینیم این محور نیز بر پایه نگاه هستی‌شناسانه‌ی توحیدی معنا و مفهوم می‌یابد.

محور سوم را می‌توان زبان حال دعاکننده دانست؛ آنچه انگیزاننده‌ی انسان برای یاری خواستن و دعا کردن است. نخستین تجربه های انسان برای توجه به واقعیت بیرونی، از زمان نوزادی به شکل ناملایمات و آنچه خلاف میل نوزاد است، خود را بروز می‌دهد. بروز واقعیتی ناسازگار با اراده و خواسته‌ی انسان مانند روشن و تاریک شدن محیط پیرامونی، صداهایی که بدون اراده انسانِ مُدرِک ایجاد می‌‌شود و موقعیت هایی از این دست، از نخستین تجربیات شناختی انسان هستند که او را متوجه واقعیت خارجی و عینی می‌گردانند. در همین راستا پس از رشد و بلوغ نیز می‌توان ناملایمات و دشواری ها را موقعیت‌هایی دانست که زمینه‌ی آگاهی بیشتر انسان از حقیقت را فراهم می کند. انسان با توجه به دشواری ها گاه احساس عجز و ناتوانی می کند. این احساس عجز و نیاز، مقدمه‌ی یاری خواستن است که برای شخص موحد منحصر به یاری خواستن و خواندن خدای متعال است.

بر اساس دیدگاه توحیدی که در متون متعدد دینی به عنوان یک اصل مکرر بر آن تأکید شده است، راه برون رفت از موقعیت دشوار یادشده اظهار دعا به محضر خدای واحد قادر است. خدایی که تنها منشأ همه‌ی هستی است و همان گونه که در محور قبل نیز تأکید شد، آنچه به عنوان دشواری ظاهر شده، خارج از قدرت او نیست. محور سوم با دیدی انضمامی، در ادامه دو مقدمه قبلی، لزوم عقلی دعا ر اثبات می‌کند و می‌توان آن را صغرای قیاس خفی‌ای دانست که هر دعا به محضر الهی مستظهر به آن است. بر این اساس می‌توان استدلال یادشده را اینگونه خلاصه کرد:

1. برای من(انسان) دشواری‌ها و ناملایماتی رخ می‌دهد که دفع آن مطلوب من و در عین حال از اراده من خارج است(محور سوم).
2. آنچه دشواری و سختی دانسته ام، تحت امر و اراده الهی است(محور دوم)
3. خدای متعال تنها منشأ حقیقی و بالذات هر رخداد وجودی است و می‌توان دفع مشکل را از او خواست(محور اول).

نتیجه: برای رسیدن به مطلوب من که دفع دشواری است، راه دیگری جز خواستن از خدای متعال وجود ندارد.

**کرونا و دیدگاه توحیدی**

در نگاه نخست و غالب میان مردم، کرونا مانند هر بیماری دیگر، یک دشواری و ناخواستنی بازنموده می‌شود. همه‌گیری کرونا و سایه افکندن آن بر ابعاد مختلف، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زندگی انسان‌ها نیز به سهم خود، ابعاد این دشواری را تقویت کرده است. اما همان‌گونه که پیش از این بیان شد، متن دعای صحیفه تنها مشتمل بر بیان خواسته ها نبوده است. بیان نورانی امام سجاد علیه السلام، ابتدا در جملاتی خبری موقعیت دشواری را از نگاهی توحیدی بازسازی و بازتعریف می کند و سپس بر مبنای این نگرش توحیدی به وضعیت دعاکننده، سختی های موجود و قاهریت خدای متعال بر هر دو مورد، دعاها و خواسته هایی را به درگاه الهی عرضه می‌دارد.

با توجه به توضیحاتی که در محورهای چهارگانه بیان شد، رویکرد توحیدی دعای هفتم صحیفه سجادیه در تطبیق با همه‌گیری کرونا و ابعاد مختلفش را می‌توان به موازات چهار محور یادشده اینگونه بیان کرد:

1. کرونا پدیده و اتفاقی خارج از اراده و قدرت الهی نیست چه اینکه هیچ رخدادی خارج از اراده الهی وجود ندارد. در نگاه توحیدی، هر چند سبب های پزشکی و بهداشتی و مبتنی بر علم تجربی که ممکن است گاه مستند به عمل انسان یا عوامل طبیعی باشد، انکار نمی‌شود، اما سبب اصلی که سایر علل ذیل آن معنا می‌یابند، همان اراده و قدرت الهی دانسته می‌شود. در پرتو چنین نگاهی حتی ناخواستنی های رخ داده شده، به تبع اصل وجودشان خیر اند نه شر؛ بنا بر آنکه در به وجود آمدن وابسته به واجب الوجود و خیر مطلق هستند.
2. در بخش دیگری به این حقیقت توجه شده است که رخدادهای ناخواستنی برای انسان، مانند بیماری کرونا که به واسطه مرگ آور بودنش نیز در نگاه غالب از همان دسته رخدادها تلقی می‌شود، هماوردی مقابل قدرت و اراده الهی ندارند و همان گونه که به وجود آمدنشان وابسته به واجب الوجود بوده است، دفعشان نیز از جانب خدای متعال خواهد بود. بر این اساس دیدگاه توحیدی هر چند علل معدّه و دایره تأثیرشان در طول اراده ی الهی را نفی نمی کند، لیکن تأثیر اصلی اعم از مصونیت یا شفای پس از ابتلا را بالذات از ناحیه خدای قادر حافظ و شافی می‌داند. با عنایت به دو بخش نخست، دیگر خیر یا شر دانستن رخدادی مانند ابتلا به کرونا و حتی مرگ در اثر کرونا، فقط با میل یا اکراه انسان، تعریف نمی‌شود بلکه ممکن است خیر در امری مکروه و ناخواسته برای انسان نیز قرار گیرد[[5]](#footnote-5).
3. با وجود تحلیل توحیدی یادشده از حقیقت رخدادها که به آن اشاره شد، وجه مهمی که در متن دعا مورد توجه قرار گرفته است، عنایت به فاصله نگاه انسان دعاکننده با نگاه تام توحیدی است. چه اینکه احساس ناراحتی و ناآرامی کردن در مقابل مشکلات در حالتی قابل توضیح است که سائل از وضعی که در آن قرار گرفته رضایت کامل نداشته باشد. در متن دعا چنین وضعیتی برای دعاکننده ترسیم شده است؛ اینکه تحمل رخدادهای سخت، دشوار و سنگین است و باعث فشار روانی و اندوه و ترس از آینده شده است. کرونا یا هر بیماری دیگری که با دو ویژگی همه گیری و خطر جدی اش برای سلامتی شناخته می‌شود، باعث ترس و اضطرابی همگانی در توده های مردم شده است.
4. قاعده‌ی فلسفی «لا مؤثر فی الوجود إلا الله» بیانگر همین نگاه توحیدی است که در بخش های نخست مطرح شد. بیان خواسته ها در دعای هفتم صحیفه سجادیه در پرتوهمین نگاه توحیدی، به جای اینکه صرفاً بر تغییر رخدادهای بیرونی متمرکز شود، به اصلاح و تغییر رابطه‌ی دعاکننده با دشواری‌ها تأکید می‌کند. چرا که رخداد وجودی صادرشده از خدای متعال خیر است لیکن ممکن است انسان به سبب جهل نسبت به آینده، جزئی نگری و ... آن را شر دانسته باشد. به همین دلیل هنگام بیان خواسته ها در این دعا یا از گشایش و برون‌رفت و مانند آن که معنایی شامل و عام و در نتیجه سازگار با رویکرد توحیدی یادشده است، سخن گفته است و یا به وضوح از تغییر نگاه به انچه از آن شکایت شده بود را درخواست می شود؛ **وَأَنِلْني حُسْنَ ألنَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ.**

منابع:

* قرآن کریم
* امام علی بن الحسین(علیه السلام)، صحیفه کامله سجادیه، ترجمه حسین انصاریان(1386)، ویرایش: حسین استادوَلی، چاپ بیست و یکم.

1. پهلوان محمدعلی، منصور، (1378)، اسناد و مشایخ راویان صحیفه کامله، *علوم حدیث*، شماره 12، صص26-69.
2. حسینی مدنی شیرازی، السید علی‌خان(1435 ه.ق.)، *ریاض السالکین*، ج2، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرّفة.
3. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم(ملاصدرا)، (1363)، المشاعر، تهران، کتابخانة طهوری.
4. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم(ملاصدرا)، (1390)، *الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة*، قم، بوستان کتاب.
5. میرداماد، السید محمدباقر، *شرح الصحیفه السجادیة الکاملة،* برعایة سید محمود بحرالعلوم المیردامادی، تحقیق: السید مهدی الرجائی، بی جا، بی تا.

1. . دکتری فلسفه و کلام(نویسنده مسؤول). [↑](#footnote-ref-1)
2. . کارشناسی ارشد جامعه شناسی. [↑](#footnote-ref-2)
3. . ای آنکه گره سختی ها توسط او گشوده می‌شود [↑](#footnote-ref-3)
4. این فقرات دعا به شکل منادا یا به صیغه مخاطب است اما در مقاله که در مقام گزارشی از دعای شریف است به صیغه غایب و به صورت خبری آمده است. [↑](#footnote-ref-4)
5. . وَعَسَى أَن تَكْرَهُواْ شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَن تُحِبُّواْ شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لاَ تَعْلَمُونَ(بقره، 216) [↑](#footnote-ref-5)